

## واین گلستان همیشه خوش باشد

### کوروش کمالی سروستانی

بهار سال ۶۵۶ هـ.ق برای شیراز و زبان و ادبیات فارسی بهار خجسته‌ای بود، بهاری که گلستان سعدی «برای نُزْهتِ ناظران و فُسُحتِ حاضران» تصنیف شد به گونه‌ای که «باد خزان را بر ورقِ او دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیع آن را به طیش خریف مبدل نکند».

گلستان، آمیزش حیرت‌انگیز دو سبک نثر موزون مرسل و فنی است که آثار ماندگار خواجه عبدالله انصاری و قاضی حمیدالدین بلخی نمونه‌های برجسته آن در قرن پنجم و ششم هجری قمری‌اند. سبک سعدی در گلستان در عین وامداری به آثار گذشتگان، اوج نثر کلاسیک فارسی است.

«در قرن هفتم دو شیوه ممتاز و مشخص، یعنی نثر مرسل و نثر فنی رواج داشت. نمونه نثر ساده در این قرن تجارب السلف هندوشاه و نمونه نثر مصنوع و پرتکلف آن تاریخ و صاف است. سعدی در این سده برای نخستین بار توانست این دو قطب مخالف را به یکدیگر نزدیک سازد و از حسن‌ها و مزایای هر یک از این دو سبک استفاده کند و از عیب‌های هر دو شیوه بپرهیزد»<sup>۱</sup> و سبک خود را پی ریزد؛ سبکی که براساس سنت‌شناسی و سنت آفرینی سعدی پی‌ریزی شد.

«با ظهور سعدی، دوباره زبان فارسی حیات تازه‌ای یافت. دوباره فارسی زبانان با زبان، نه به عنوان ابزار مستعمل، نه به عنوان کلیشه‌های کهنه و وسیله تفنن، بلکه به

واین گلستان...

عنوان شیئی هنری روبه‌رو شدند. دوباره زبان سحر شد»<sup>۲</sup> و «سعدی از مرمر زبان پر رگه و ناخالص عصر خود، زبانی آفرید معیار شعر و نثر».<sup>۳</sup>

به اجماع همه منتقدان و اندیشمندان، هر نوآوری سبکی از جمله بدایع و بدعت‌های سعدی بر شالوده نوآوری فکری سامان می‌یابد. بررسی تاریخ اندیشه ایرانی - اسلامی و نیز مقایسه آن با تفکر اندیشمندان اروپایی سده‌های میانه، روشنگری آثار سعدی را بیشتر نمایان می‌کند. «سعدی را که به راستی سنت‌شناس و سنت‌آفرین بود، باید از مهم‌ترین منادیان جنبه‌های مهمی از تجربه ناکام تجدد در ایران دانست. انگار روشنفکران تجددطلب غرب زودتر از ما می‌دانستند که سعدی هم‌کیش و هم مسلک آنان است. از هوگو گرفته تا دیدرو همه نه تنها از او متأثر شدند که هر کدام در ستایشش مقاله‌ای نوشتند».<sup>۴</sup>

شاید با کمی تسامح بتوان گلستان را مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر سعدی در معرفی او به ایرانیان و جهانیان شناخت. از میان کتاب‌های *روضه‌خلد مجد خوافی*، *نگارستان جوینی* و *اسفراینی*، *بهارستان جامی*، *پریشان قآنی*، *منشآت قائم مقام فراهانی*، *خرابات فقیر اصطهباناتی*، *التفصیل تولی* و بسیاری آثار دیگر که در این هفتصد سال به تقلید از گلستان سعدی نگاشته شده است، هیچ کدام نتوانسته‌اند به «سیر توفیق عظیم گلستان» دست یابند.

«اگر به آثاری که به تقلید از گلستان نوشته شده است، بنگریم، می‌بینیم که توجه مقلدان بیشتر به ظاهر کتاب و طرز تنظیم و تبویب و حتی نام‌گذاری آن معطوف بوده و هیچ یک از آنان نخواستند یا نتوانسته‌اند روح زبان شیخ را درک کنند و عاملی که زبان وی را چنین زنده و پراحساس و کهنه نشدنی ساخته است، بشناسند».<sup>۵</sup>

اهمیت گلستان در زبان و ادب فارسی و جامعه فرهنگی ایران به گونه‌ای است که سال‌ها، پس از قرآن کریم، کتاب درسی مکتب‌خانه‌ها و مدارس بوده است. به باور دکتر غلامحسین یوسفی بیش از ۴۰۰ بیت یا عبارت از این کتاب به صورت ضرب‌المثل در بین مردم ایران رایج است. گلستان نخستین کتاب فارسی است که در سال ۱۶۳۴ میلادی

توسط آندره ری‌یر فرانسوی (Andre Du Ryer) ترجمه شد. اگرچه پس از آن ترجمه‌های آلمانی، لاتین، انگلیسی، اسپانیولی، ژاپنی، عربی، اردو، ترکی و... آن بارها منتشر شده است.<sup>۶</sup>

در سال ۱۸۲۲م. / ۱۲۳۸هـ.ق که میرزا صالح شیرازی از اروپا به ایران بازگشت و اولین چاپخانه را در شهر تبریز تاسیس کرد، نخستین کتابی که در ایران به چاپ رسید، *گلستان سعدی* بود.<sup>۷</sup>

و حتی میرزا ملکم خان که به گسسته نویسی واژگان خط فارسی اعتقاد داشت، برای ترویج این باور ناپخته، متن *گلستان* را به شیوه خود «گ.ل.س.ت.ان» منتشر کرد و این همه نشانه‌ها و تأثیر «*گلستان*» در آن روزگار است.

نخستین تصحیح علمی *گلستان* در سال ۱۳۱۶هـ.ش به وسیله استاد محمدعلی فروغی منتشر گردید و پس از آن شرح‌ها، فرهنگ‌ها و تصحیح‌های مختلفی از *گلستان* به چاپ رسیده است که یکی از مهم‌ترین و دقیق‌ترین آنان، تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی است که چاپ اول آن در سال ۱۳۶۸ منتشر گردید.

*گلستان* اگرچه در میان مردم، اندیشمندان، شاعران و ادیبان ایران و جهان جایگاه درخور خود را یافته است، اما در دوران‌های مختلف و به ویژه پس از انقلاب مشروطیت و تحولات تجددخواهان، با مخالفت‌هایی روبه‌رو شده است. «بسیاری از متفکران نسل اول تجددخواهی ایران که گاه مقهور لعاب غربی تجدد بودند، اغلب بر این گمان بودند که تجدد را تنها بر ویرانه‌ها سنت ایرانی بنا می‌توان کرد. سنت‌ستیزی را شرط لازم تجددخواهی می‌دانستند و مانند مجله *تجدد* در تبریز شعار می‌دادند که: «نترسید، نوشتجات پیشینیان را با آب بی‌قدری و انتقادی بشویید» حال آن که تجدد واقعی بیش از هر چیز نوعی خودشناسی نقاد است».<sup>۸</sup>

و برخلاف نسل اول متجددان ایرانی و پیروان آنان که بیشتر شاهکارهای ادب فارسی را شوره‌زاری بی‌بر و بار می‌دانستند، باید بپذیریم که راه تجدد واقعی ایران از متونی چون *گلستان* می‌گذرد و همان جاست که نطفه بسیاری از مهم‌ترین اندیشه‌های تجدد را سراغ می‌توان کرد.<sup>۹</sup> به بیان دیگر «*گلستان*» و آثاری از این دست، نه مانع تجدد

واین گلستان...

و تعالی و روزآمدی که موجد و عامل مؤثر و ریشه‌ای آنند... و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اندیشگی ایران زمین، تجدید ایران نیز در گرو بازخوانی دقیق و نقادانه متونی چون گلستان است.

پی‌نوشت:

۱. رستگارفسائی، منصور، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، محمدجعفر محجوب، «گفت و گو در مورد زبان سعدی»، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۲۶۷.
۲. موحد، ضیای، سعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.
۳. همان، ص ۱۹۲.
۴. میلانی، عباس، تجدید و تجدید ستیزی در ایران، تهران، آتیه، ۱۳۷۸، ص ۸۵.
۵. رستگارفسائی، منصور، همان.
۶. نکر جمیل سعدی، دکتر عبدالغفور روان‌فرهادی، «سه قرن و نیم سعدی‌شناسی در غرب از روی ترجمه‌های گلستان و بوستان» کمیسیون ملی یونسکو، اداره کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۹۶-۱۸۰.
۷. آریزپور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، زوار، ۱۳۷۲، جلد اول، ۲۳۱.
۸. میلانی، عباس، ص ۸۶-۸۵.
۹. همان، ص ۹۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی